جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | داریوش ارجمند (بازیگر) | داود میرباقری (فیلمساز) | مرتضی شعبانی (مستندساز) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) | فرج‌الله سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | نادر طالب‌زاده (کارگردان)

واکاوی تاریخ سینمای پس از انقلاب

حکایت سینماتوگراف ۲

دکانی دو نبش به نام هنر و تجربه

سعید مستغاثی

بخش صد وچهار

مؤسسه هنر و تجربه و گروهی به همین نام در سال ۱۳۹۳ با بودجه دولتی تاسیس شد و در همان سال با ۴ سالن سینما در تهران (آزادی و کوروش و خانه هنرمندان و موزه سینما) و یک سالن در پردیس سینمایی هویزه مشهد، برنامه نمایش خود را آغاز کرد. اعضای هیئت‌مدیره این گروه عبارت بودند از هوشـــنگ گلمکانی (سردبیر ماهنامه فیلم که در دهه ۶۰ به سینمای گلخانه‌ای ایران، سینمای امثال تارکوفسکی و پاراجانف را تحمیل کردند و ذائقه فیلمساز جوان ایران را با سبک شبه عرفانی امثال آنها پر کردند)، جعفر صانعی مقدم (که سالها متولی انجمن سینمای جوان و تربیت جهت دار و غرب گرایانه نسل جوان سینماگران بود)، امیر حسین علم الهدی (یکی از مدیران همیشه روی نیمکت سال‌های متوالی و متمادی این سینما که برخی اوقات توی زمین بازی می‌کند و برخی وقت‌ها هم کنار زمین خودش را گرم می‌کند!!)، شهرام مکری (از دست پروردگان انجمن به اصطلاح سینمای جوان و جعفر صانعی مقدم با فیلم‌هایی مثل «گربه و ماهی» و «هجوم» که نامزد دریافت جایزه فیلم همجنس بازانه جشنواره برلین در سال ۱۳۹۶ شد!).

همچنیـــن هیئت امنای گروه هنر و تجربه عبارت بودند از رخشـــان بنی‌اعتماد (فیلمساز آثار ضد سینمایی مانند «قصّه‌ها»)، حجت‌الله ایوبی (رئیس سازمان سینمایی که اساسا این گروه هنر و تجربه از ابتکارات وی به شمار آمد)، امیرحسین علم‌الهدی، غلامرضا جمال امیدی، سیف‌الله صمدیان (سردبیر و مدیر مسئول نشریه تصویر).

سابقه در بی‌سوادی و بی‌هنری

گروه هنر و تحربه در واقع شـــکل تغییر یافته همان فیلم‌های موسوم به مخاطب خاص یا سینمایی بود که در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی به سینمای هنری اروپا مشهور شد. اما در ایران گروهی به تقلید از برخی فیلمسازان اروپایی و به بهانه سینمای مثلا ضـــد قصه، آثاری را جلوی دوربین بردند که کمترین قرابتی با ســـینما و هنر هفتم نداشت. در واقع آنها بی‌سوادی و نابلدی خود را تحت عنوان این نوع سینما به خورد مخاطب می‌دادند، منکر سینمای قصه گو می‌شدند، در حالی که حتی عاجز از بیان سینمایی یک خط قصه بودند.

حرف آنها این بود که اگر مخاطب از فیلم و سینمای ما چیزی نمی‌فهمد، این به دلیل نافهمی و هوش وذوق هنری ســـطح پایین اوســـت و اساسا ما برای امروز و این مکان فیلم نساختیم. آنها مدعی بودند که سینمای به اصطلاح هنری‌شان ممکن است در یـــک زمانی دیگر و مکانی دیگر مخاطـــب خود را پیدا کند، مخاطبی به اصطلاح فرهیخته و فیلسوف و عارف و.... و این در حالی بود که اثر آنها خالی از هرگونه استعداد هنری یا ظرفیت سینمایی بود.

این دکان در سال‌های بعد شکل و شمایلی دیگر یافت و هر بار نیز عنوانی جعلی به آن می‌بســـتند، گاهی به عنوان سینمای هنری و زمانی سینمای معناگرا و حتی در این روزها بیشـــتر نام سینمای اجتماعی را برخود دارد، در حالی که سازندگانش، کمترین اطلاع و سواد را حتی درباره اجتماع پیرامون خود دارند و از همه مهم‌تر که از سینما به اندازه یک دانش‌آموز دبیرستانی نیز نمی‌دانند!!

اینک نیز مدتی است این مقوله بیسوادی و مدعی بودن در ذیل عنوانی همچون «سینمای هنر و تجربه» جای خود را پیدا کرده که در دوران دولت موسوم به تدبیر و امید متولیانی نیز پیدا نمود و از محل بودجه دولتی هم ردیفی شـــامل حالش شد که در همین ســـال ۱۳۹۷، رقمی بالغ بر ۶ میلیارد تومان را بالغ گردید و تنها ۵۶۰ میلیون تومان آن شـــامل حال نشـــریه این گروه شد که معلوم نبود برای چه کسانی منتشر شده و چه کسانی آن را می‌خوانند! شاید از همین روی بود که با تعطیلی آن در ســـال ۱۳۹۹ (شاید به خاطر بی‌خاصیتی اش) برخی از نویسندگان و عوامل آن، زانوی غم بغل گرفتند و به مرثیه ســـرایی پرداختند، چرا که به هر حال دکانی دیگر تعطیل شده بود!!

نمایش آثار درباری

اما گروه هنر و تجربه در ســـال ۱۳۹۷ با تولید و نمایش فیلم‌هایی مستند درباره برخی عناصر درباری رژیم شاه و وابستگان اطلاعاتی سفارت‌های آمریکا و انگلیس به تجلیل از شاخص‌ترین عوامل مضر به فرهنگ و هنر این سرزمین پرداخت.

مجموعه فیلم‌هایی به اصطلاح مســـتند تحت عنـــوان «چهره‌های ایرانی»، در ۹ قسمت توسط مؤسسه هنر و تجربه تولید گردید و از ۲ آبان ماه ۱۳۹۷ در سالن‌های ســـینمای گروه موسوم به «هنر و تجربه» در سراسر کشور به نمایش گذارده شد. از جمله این فیلم‌ها می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

- فیلم «همایون» درباره همایون صنعتی زاده، وابسته اطلاعاتی سفارت انگلیس، نماینده مؤسســـه آمریکایی فرانکلین، عامل اطلاعاتی سفارت آمریکا در دوران شاه و از وابســـتگان دربار که پس از انقلاب اسلامی به جرم جاسوسی برای بیگانه و ترویج فرهنگ آمریکایی در کشور به زندان و مصادره اموال محکوم شد.

-فیلم «در جست‌وجوی صبح» درباره عبدالرحیم جعفری، عضو کلوپ‌های ماسونی روتاری و از سرسپردگان دربار پهلوی که با پول و هزینه رژیم شاه به برپایی مؤسسات انتشاراتی جهت تخریب فرهنگ ایرانی اسلامی و ترویج فرهنگ آریامهری پرداخت و پس از انقلاب در دادگاه محکوم شناخته شد.

-فیلم «مکتب ســـقاخانه‌ای به روایت پرویز تناولی» درباره پرویز تناولی از دیگر عناصر درباری دوران پهلوی که در دهه ۱۳۴۰ توســـط اداره اطلاعات آمریکا در این کشور آموزش دید و سپس برای تخریب هنر اصیل ایرانی اسلامی به ایران آمد و ضمن ساختن مجسمه‌هایی از شاه و پسرش، به استحاله هنرهای سنتی و دینی ایران پرداخت

-فیلـــم «یکی بود، یکی نبود» درباره توران میرهادی، از فارغ‌التحصیلان مدارس آلیانس (اتحادیه جهانی اسرائیلیت) که به همراه عناصر بهائی همچون «لیلی ایمن»، نهادی به نام شورای کتاب کودک را برای تاثیرگذاری برذهن کودکان ایرانی و اجرای پروژه استعماری دین زدایی در سطح جامعه در دوران شاه بنیان نهاد.

فیلم‌های یاد شـــده به دنبال موجی تولید شـــدند که از دو سال قبل از این، برای تطهیر و مطرح کردن عناصر به اصطلاح فرهنگی و هنری شاهنشـــاهی در کشور به راه افتاد و زمانی به عنوان برگزاری نمایشگاه و جشن تولد و بزرگداشت شکل گرفت که در این زمینه موسســـاتی همچون خانه هنرمندان و شهرداری و مانند آن حضور فعال داشتند و حالا با هزینه و از کیسه بیت‌المال، فیلم‌های تحریف گرایانه درباره این عناصر مخرب فرهنگ و هنر این مرز و بوم، ساخته و به نمایش عمومی درآمده است!

لازم به ذکر است که هدر دادن بیت‌المال توسط مؤسسه هنر و تجربه (که سالهاست بودجه‌های میلیاردی را صرف تولید ســـیاه مشـــق‌های ضعیف و مسئله دار کرده) به همین موارد ختم نشده و روز چهارشنبه ۱۲ دی ماه ۱۳۹۷ نیز مراسم جشنی برای سالگرد تولد بهرام بیضایی، کارگردان فراری از وطن که اینک از طریق افراد معلوم‌الحالی همچون عباس میلانی و مؤسسه صهیونیستی هوور در آمریکا مشغول کار است، در خانه هنرمندان برگزار نمود.

النازبرکاتی

نگاهی به پویانمایی «ساعت جادویی»

عبور از زمان، کشف هویت و انقلاب در دل تاریخ

پویانمایی «ساعت جادویی» چیزی بیشتر از یک داستان تخیلی است. این پویانمایی تنها با یک ساعت جادویی، مخاطب را به دنیای گذشته می‌برد، اما نه فقط برای تماشای ماجراجویی‌ها و کشـــف شگفتی‌ها، بلکه برای روبه‌رو شدن با تاریخ، فرهنـــگ و چالش‌های اجتماعی‌ای که هنوز هم بازتاب‌های آن در جامعه امروز ایران وجود دارد. داستان عماد، پسربچه‌ای بازیگوش که به‌واســـطه هدیه‌ای از پدربزرگش به دوران کودکی مادربزرگش ســـفر می‌کند، در ظاهر یک روایت فانتزی است، اما در دل این داستان، وقایع تاریخی مهمی مانند قیام گوهرشاد در هم آمیخته‌اند که آن را از یک انیمیشـــن معمولی به یک اثر عمیق و آموزنده تبدیل کرده است.

ساعت جادویی؛ گذر از تخیل به تاریخ

سفر در زمان همیشه برای کودکان جذاب بوده است. اما «ساعت جادویی» به جای اینکه فقط در دنیای تخیل شناور باشد، از این سفر در زمان استفاده می‌کند تا نه تنها عماد، بلکه مخاطب را به دنیای پر از چالش‌های اجتماعی و فرهنگی گذشته ایران بفرستد. از طریق هدیه پدربزرگ، عماد وارد دنیایی می‌شود که در آن نه تنها با شـــغل خانوادگی خود آشنا می‌شود، بلکه با روح زمانه و تکاپوهای مردم در مواجهه با مسائل اجتماعی روبه‌رو می‌شود.

اما نکته جذاب این پویانمایی این است که قیام گوهرشاد را نه از زبان تاریخ‌نگاری صرف، بلکه در قالب یک داستان کودکانه پر از شور و احساس، به تصویر می‌کشد. قیام گوهرشاد، با تمام ابعاد سیاسی و اجتماعی‌اش، در این اثر به نوعی نمایانگر مقاومت در برابر استبداد و تلاش برای حفظ هویت فرهنگی است. این قیام که در آن زنان و مردان مشـــهد علیه سیاست‌های تحمیلی رضا شـــاه اعتراض کردند، به‌ویژه در دنیای امروز که هنوز بحث آزادی‌های فردی و اجتماعی داغ است، به طور غیرمستقیم پیامی از ایســـتادگی در برابر ظلم و حفظ ارزش‌ها به مخاطب می‌دهد.

مبارزه برای هویت
فراتر از یک ماجراجویی کودکانه

در قلب داستان «ســـاعت جادویی» یک پیام عمیق انســـانی و اجتماعی نهفته اســـت؛ شناخت و آگاهی از تاریخ به ما کمک می‌کند تا هویت خود را پیدا کنیم و با آگاهی بیشتری بـــه زندگی ادامه دهیم. عماد، که در ابتدا یک پسر بچه بازیگوش و بی‌دغدغه است، در طول سفر خود به گذشته، با مفاهیم پیچیده‌ای چون مقاومت، عدالت و تغییر روبه‌رو می‌شـــود. قیام گوهرشـــاد، به‌عنوان یک رویداد تاریخی مهم، نماد ایســـتادگی در برابر ظلـــم و تلاش برای حفظ ارزش‌های دینی و فرهنگی اســـت. این قیام، در انیمیشن «ساعت جادویی» به شکلی بسیار هوشمندانه و ساده برای کودکان روایت می‌شود، بدون آنکه پیچیدگی‌های سیاسی آن را از دست بدهد.

جالب است که این قیام به‌جای اینکه تنها به‌عنوان یک واقعه تاریخی سرد و بی‌روح نمایش داده شـــود، در قالب داستانی پر از انسانیت و احساســـات به تصویر کشیده می‌شود. عماد با دیـــدن مقاومت مردم و به‌ویـــژه زنان در برابر سرکوب‌های اجتماعی، به‌طور ناخودآگاه از آن درس می‌گیرد و دنیای واقعی و پیچیدگی‌های آن را بهتر می‌شناسد. این رویکرد، پیام بسیار مهمی برای کودکان دارد، آن‌ها یاد می‌گیرند که تاریخ تنها در کتاب‌های درسی نیست، بلکه در دل زندگی مردم و مبارزاتشان جاری است.

نقش زنان؛ صدای اعتراض در دل تاریخ

یکـــی از نقـــاط قوت «ســـاعت جادویی» پردازش هوشمندانه نقش زنان در قیام گوهرشاد اســـت. در حالی که در بسیاری از آثار تاریخی، نقش زنـــان در قیام‌ها و تحـــولات اجتماعی نادیده گرفته می‌شود، در این پویانمایی شاهد حضور فعـــال و مؤثر زنان در میـــدان مبارزه هستیم. زنان مشـــهد در قیام گوهرشاد، علیه سیاست‌های تحمیلی رضا شاه ایستادند و این انیمیشـــن این نقش را با دقت و حساسیت به تصویر کشیده است.

این توجه به حضور زنان در تاریخ و مبارزات اجتماعی، در دنیای امروز که همچنان شـــاهد نابرابری‌های جنســـیتی و مشـــکلات مربوط به حقوق زنان هســـتیم، اهمیت زیادی دارد. «ســـاعت جادویی» به کودکان یاد می‌دهد که تاریخ نه تنها از مردان ساخته نشده است، بلکه زنان همیشه در صف اول مبارزات اجتماعی و فرهنگی حضور داشـــته‌اند و صدای اعتراض و مقاومت‌شان باید شنیده شود.

ترکیب هنر و تاریخ
انیمیشن به عنوان یک ابزار تأثیرگذار

در کنار تمامی مفاهیم اجتماعی و تاریخی، «ســـاعت جادویی» اثری هنری اســـت که با اســـتفاده از رنگ‌ها، طراحی‌ها و سبک خاص خود توانسته به شکلی جذاب و متناسب با ذائقه کودکان، داستانی آموزنده را ارائه دهد. ترکیب هنر و تاریخ در این انیمیشن باعث شده است که علاوه‌بـــر جذابیت بصری، مفاهیم عمیق و پیچیده به‌راحتی در دل داســـتان قرار گیرد و به مخاطب منتقل شود.

طراحی‌های دقیق و فضای پرشور انیمیشن، همـــراه بـــا شـــخصیت‌پردازی‌های ملموس و متناسب با روح کودکی، از «ساعت جادویی» اثری فراتر از یک پویانمایی کودکانه ســـاخته اســـت. این اثر توانسته اســـت تاریخ و هنر را به‌گونـــه‌ای جذاب و بی‌پرده با هم ترکیب کند تـــا هم کودکان و هم بزرگ‌ترها از آن بهره‌مند شوند. یادآوری تاریخ و هویت در قالبی کودکانه «ساعت جادویی» اثری است که به‌خوبی توانسته ترکیب تخیل و واقعیت تاریخی را به شیوه‌ای جذاب و آموزنده درآمیزد. این انیمیشن با استفاده از سفر در زمان، داستان مقاومت و اعتـــراض در برابر ظلـــم را روایت می‌کند و در دل آن مفاهیم عمیقی چون هویت فرهنگی، عدالت و ایستادگی در برابر قدرت‌های سرکوبگر را بـــه مخاطب منتقل می‌کند. در دنیای امروز که بسیاری از کودکان از تاریخ و فرهنگ خود فاصله گرفته‌اند، این اثر به شکلی هوشمندانه این فاصله را پر کـــرده و به کودکان یادآوری می‌کند که تاریخ تنها یادگاری از گذشته نیست، بلکه چراغی است برای ساخت آینده‌ای بهتر.

سینما و فرهنگ مقاومت

رسول شمالی ورزنده

یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی که به نماد ملت ایران تبدیل شد فرهنگ مقاومت، ایثار و شهادت است. فرهنگی که محور اصلی نهضت امام خمینی(ره) در ســـال ۴۲ بود و در نهایت با پیروزی انقلاب اســـلامی در سال ۵۷ اوج گرفت؛ در واقع امام الفبای مقاومت و ایثار و شـــهادت را در ایران اسلامی نهادینه کرد که همین امر باعث شـــد که اکنون بعد از گذشت بیش از چهل و اندی سال از انقلاب شکوهمند مردم قهرمان ایران، جمهوری اسلامی ایران در مقابل همه توطئه‌های ریز و درشـــت استکبار جهانـــی به ویژه آمریکای جنایتکار بایســـتید و پیروز شـــود ودر این بیـــن فرهنگ و هنر به خصوص سینما نقش بسزایی را ایفا کرد و تولید آثاری در ژانر مقاومت، ایثار و شهادت که بیشتر در ســـال‌های اول پس از انقلاب و در دهه‌های ۶۰، ۷۰ برپرده ســـینماهای کشور به نمایش درآمد در حفظ دست آوردهای انقلاب اسلامی و ارزش‌های جمهوری اســـلامی ایران بســـیار مؤثر بود و کارگردان‌ها و تهیه کنندگان متعهد و انقلابی ایران اسلامی، آثار بسیار خوبی را در راستای بسط و گسترش فرهنگ ایثار و مقاومت تولید کردند اما متاســـفانه در سال‌های اخیر شاهد تولید آثار کمتری با موضوع مقاومت، ایثار و شهادت در سینما هستیم و این در حالی است که طی سال‌های اخیر آمریکا، رژیم کودک کش صهیونیســـتی و برخی از کشـــورهای اروپایی دشمن شماره یک مقاومت در منطقه شده‌اند و جنایات وحشیانه‌ای را به نمایش گذاشتند، رژیم اشغالگر صهیونیستی با چراغ سبز آمریکا و کشـــورهای اروپایی مثل آلمـــان، انگلیس، فرانسه دست به وحشی‌ترین جنایت تاریخ در فلسطین، غزه، لبنان و یمن زده‌اند و آمریکایی‌ها هم با همراهی انگلیس با همه توان نظامی خود منطقه را به خاک و خون کشیده‌اند و با شهادت رســـاندن رهبران جنبش‌های آزادی بخش و حامی مردم، مرتکب جنایت بزرگ شـــدند که این جنایت‌ها از نگاه بسیاری از رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های وابسته به اســـتکبار جهانی نادیده گرفته شد و در این میان انعکاس جنایات آنها بقدر کافی برای مردم جهان تبیین نشـــد و در کشورمان هم متاسفانه نقش سینما و سازندگان آثار ســـینمایی در این خصوص خیلی کمرنگ بود و آثاری را در این زمینه بر پرده ســـینماها نداشتیم در حالی‌که موضوعات زیادی را می‌شود از جنایات رژیم صهیونیستی و استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا به تصویر کشید و از طرفی هم می‌توان مقاومت مردم قهرمان فلســـطین، غزه، لبنان، یمن و ایران اسلامی در مقابل این همه جنایات را برای مردم جهان تبیین و به آثار سینمایی تبدیل کرد که در این زمینه تاکنون کار خاصی صورت نگرفته و مسئولان و متولیان سینما متاسفانه در این خصوص سهل انگاری کرده اند، یقینا تهیه کنندگان، کارگردان‌ها و سازندگان متعهد و انقلابی زیادی را در کشور داریم که با همه وجودشان علاقه‌مند به تولید آثار سینمایی در ژانر مقاومت هستند که نیاز به حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه از سوی مسئولان و مدیران ارشد فرهنگی و هنری، به‌ویژه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارند، لذا در این مقطع حساس که دشمنان انقلاب اسلامی و مقاومت در تلاش‌انـــد که صدای مقاومـــت را خاموش کنند لازم اســـت که سینما به عنوان یک ابزار بســـیار مهم تصویری به میدان بیاید ودر این کارزار بـــه مبارزه و مقابله فرهنگی با دشـــمن بپردازد یقینا تولید آثار سینمایی با موضوعات مقاومت، ایثار و شـــهادت می‌تواند تاثیر بسیار زیادی در شکست دشمن داشته باشد بنابراین به‌نظر می‌رسد که مدیران و مسئولان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشـــاد اسلامی در ابن زمینه کم کاری می‌کننـــد و توجه‌ای به این موضوع مهم ندارند، امروز دشـــمنان انقلاب اسلامی و مقاومت ازمســـیر فرهنگی و رسانه وارد میدان شـــده‌اند و با تبلیغات انحرافی از چهره واقعی اسلام و نمایش غیرواقعی از اسلام، قصد تهاجم فرهنگی را در دســـتور کار دارند که نمونه آن را امروز در ســـوریه اشغالی می‌بینیم ودر واقع اســـتکبار جهانی و رژیم صهیونیستی به‌دنبال ماموریت هـــرج و مرج در ســـوریه با نمایش یک فریب بزرگ هســـتند و در این میان تنها مقاومت است که می‌تواند با ایستادگی در مقابل توطئه‌های دشمن، پیروزی را برای امت اسلامی به ارمغان بیاورد ودر این راستا با بهره‌گیری از ابزار فرهنگ و هنر بخصوص سینما می‌توان بر فتنه‌های دشمن غلبه کرد.

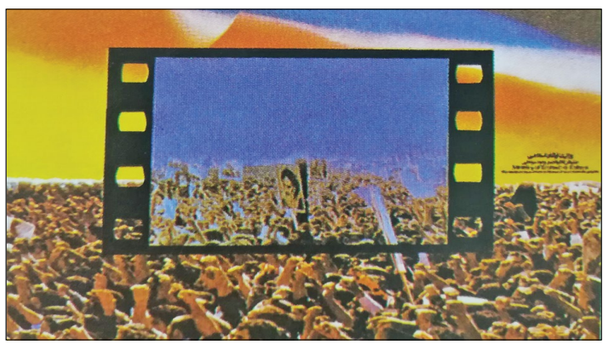

به هرحال شرایط و موقعیت کنونی جهان و منطقه بگونه‌ای است که نیاز است سازندگان آثار ســـینمایی پای کار بیاینـــد و با تولید آثار و فیلم‌های ســـینمایی در ژانر مقاومت نشان دهند که مقاومت همواره زنده است و دشمنان مقاومت و انقلاب اسلامی هرگز به اهداف شوم خود در منطقه نخواهند رســـید، بنابراین لازم و ضروری است که دستگاه‌های مهم فرهنگی و هنری کشـــور به‌ویژه وزارت فرهنگ و ارشاد اســـلامی میدان را برای تولید آثار ســـینمایی بـــا موضوعات مقاومت، ایثار و شـــهادت برای کارگردان‌ها و تهیه کنندگان متعهد و انقلابی کشـــورمان آماده کنند، امروز شرایط سخت و حساســـی را در منطقه تجربه می‌کنیم و نیاز هســـت که هوشـــیارانه در مقابل توطئه‌های ریز و درشـــت دشمنان بایستیم و با به تصویر کشیدن جنایات دشمنان توسط ابزار سینما که تاثیرگذارترین رســـانه است به مقاومت کمک کنیم، مقاومت امروز با تقدیم هزاران شهید در غزه، فلسطین، لبنان و یمن قوی‌تر از قبل به راه خود ادامه می‌دهد بنابراین همه باید برای کمک به مقاومت فداکاری و ایثارگری کنیم و لذا می‌شـــود با زبان هنر هم کمک شایانی به مقاومت کرد و سینما در این راستا ابزار بسیار مهمی است که هم پای بزرگان عرصه مقاومت می‌تواند در این میدان نبرد به‌طور شایسته عمل کند و نشان دهد که یکی از معیارهای اساسی در شکست دشمن است،به هرحال امیدواریم که مسئولان تراز اول فرهنگی و هنری کشور به‌طور انقلابی وارد این عرصه شوند و به سینما کمک کنند تا سازندگان فیلم‌های سینمایی با ساختن آثار شاخص سینمایی در ژانر مقاومت و کمک به نیروهای مقاومت، موجب آزاد سازی سرزمین‌های اشغالی در فلسطین، غزه، سوریه، لبنان و....شوند ان‌شاءالله.

نگاهی به فیلم «حمله ناگهانی»

یک پینوکیوی کسالت‌بار

سعید متین

اســـتیو مـــک کویین حتـــی در فیلم اســـکاری‌اش یعنی «۱۲ سال بردگی» هم در حد و اندازه اســـکار نبود و شاید اگر مثلا آرنون میلچان اسرائیلی تهیه‌کننده و کمپانی ریجنســـی‌اش تولیدکننده فیلم نمی‌شدند و یک سفید پوســـت مو طلایی چشم آبی (براد پیت) هم منجی و زندگی بخش کاراکتر اصلی سیاهپوست نبود، آن اسکار هرگز به آن فیلم نمی‌رسید. چنانچه در سال‌های بعد هم دو فیلم بلند دیگرش یعنی «بیوه‌ها» و «شهر اشغال شده» چنگی به دل نزدند!

امـــا در فیلم «حملـــه ناگهانی» مجددا مک کویین بـــه همان جنگ دوم جهانی و این بار موضوع بمباران‌های ســـنگین لندن در سپتامبر ۱۹۴۰ پرداخته که قرار می‌شود تعداد زیادی از کودکان به محل امنی انتقال یابند و در این میان پسر بچه‌ای به نام جرج که با مادر و پـــدر بزرگش زندگی می‌کند علی‌رغم میلش، مشـــمول همین موضوع می‌گردد.

اما جرج از قطاری که او و کودکان دیگر را منتقـــل می‌کند، پایین پریده و طی یک سری ســـوپرمن بازی به لندن برمی گردد ولی تا اینکه خانه و مادرش را پیدا نماید، با ماجراهای بسیاری برخورد می‌کند،شبیه به پینوکیو که پس از تصمیم به بازگشتن نزد پـــدر ژپتو با حوادث مختلفی مواجه گردید منتهـــا در فیلم «حمله ناگهانی» یا بلیتز با تکرار مکررات و روایت‌های کسالت بار!

اســـتیو مـــک کویین طبـــق معمول قهرمانش را ســـیاه پوست انتخاب کرده که البته مانند آن سیاهپوست فیلم «۱۲ سال بردگی» علی‌رغم سن کم، دست و پا چلفتی و بی‌عرضه نیســـت و بسیار اهل جنگیدن و مبارزه با شرایط سخت به نظر می‌رسد،حتی در برابر باند خلافکاری که می‌خواهند از او سوءاستفاده کرده و به دزدی وادارش کنند یا وقتی دوســـتی را که امید داشت او را به خانه‌اش برســـد از دست می‌دهد و یا حتی وقتی قهرمان نجات گـــروه زیادی از مردم از ســـیل درون مترو لندن می‌شود و بازهم بـــه همان منطقه امـــن دور از لندن و خانه و مـــادرش ببرند، این عرضه و شـــجاعت را نشان می‌دهد.

بخش‌هایی از کاراکتـــر جرج تقریبا از شخصیتی واقعی گرفته شده که با فداکاری خـــود، عده زیادی از مردم را که در یکی از ایستگاههای مترو لندن گیر افتاده بودند را از خطر مرگ در اثر سیلاب نجات داد.

برخی دیگر از وقایع فیلم مانند بمباران ســـالن آواز و دزدیدن جواهـــرات قربانیان بمباران نیز واقعی هستند.

طبـــق معمـــول در این داســـتان، هم سرکرده فعالان پناهگاههای لندن، یهودی است و هم شخصی که در پناهگاه، متفکرانه جانب صلح و آرامش را می‌گیرد.

به طور کلی در فیلم‌های امسال تظاهر به یهودیت، آن هم در نقش‌های برجسته، بسیار بارز می‌نمایاند! دلیلش هم کاملا واضح است!

زنگ مجازی- جنگ ترکیبی

تکنیک‌های برساخته برای انتخاب

عزیزالله محمدی(امتدادجو)

القائات دو گانه ساز با استفاده از تکنیکهای مختلف عملیات روانی همان‌طور که بارها در همین ستون اشاره شده است از ویژگیهای اصلی رسانه‌های سلطه جهت تاثیرگذاری بر جوامع هدف است که عموما با استفاده از روشها و سناریوهای مختلف صورت می‌گیرد و تنوع روش و تکنیک در این عرصه به حدی اســـت که گاه از شمارش خارج می‌شود و گاه نه تنها از یک تکنیک ثابت، بلکه از مجموعه‌ای از تکنیکهای مختلف به صورت ترکیبی استفاده می‌شود تا مخاطب مورد هدف، به هر نحو که شده با تاثیر پذیری از این رسانه‌ها وادار به کنشگری آنها شود.

متاسفانه باید گفت؛ رسانه‌های معاند فارسی زبان در اختیار سلطه گران جهانی که به وضوح خیانت و دشـــمنی آنها برای مردم ایران آشکار شده است؛ همراه با صفحات مجازی خود در فضای مجازی و شـــبکه‌های اجتماعی از توانایی اغوا ســـازی مخاطب برخوردارند که این توانایی و مهارت آنها در نوع تولید برنامه تحت آموزش رســـانه‌های بزرگ موســـوم به رســـانه‌های اصلی یا رسانه‌های جریان سلطه به دست آمده و عموما این رسانه‌ها بیشتر از آنچه که تعهد به زنجیره ارزش‌های انسانی داشته باشند متعهد به دیکتاتوری حفظ قدرت سلطه گران هستند.

«انتخاب بد از بدتر» یکی از تکنیکهایی هست که این جریان رسانه‌ای بعد از گذر از مراحل مایوس سازی و ایجاد نا امیدی و سلب اعتماد از جامعه گام به سمت اجرای آن بر می‌دارد و مخاطب را به سمت و سویی می‌برد که در نهایت انتخابی به جز آنکه این رسانه تلاش می‌کند آن را به باور برساند نداشته باشد.

گویا این رسانه‌های معاند چه در شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و چه در شبکه‌های اجتماعی با درک این حقیقت است که همواره به ایجاد دو گانگی می‌پردازند و همیشه یک دوگانه‌ای در سطح جامعه هست تا مردم را در شرایط انتخاب بد یا بدتر قرار بدهند.

دو گانه‌های قومیتی، نژادی، مذهبی، سیاســـی، شخصیتی و... همیشه استمساک این جریان خاص ســـلطه طلب هســـت که پیشینه آن از گذشته به امروز در نزد روباه پیر(انگلیس) وجود داشته و امروز هم آبشخور قریب به اکثریت این رسانه‌ها که از این روش استفاده می‌کنند لندن است.

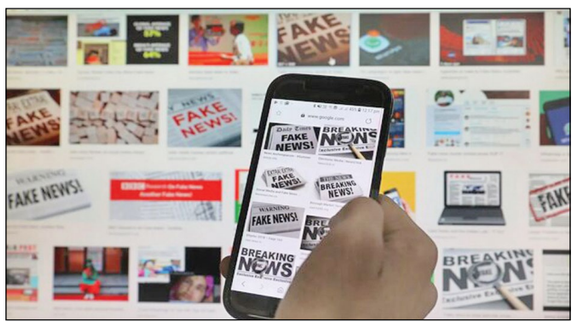

در تکنیک«انتخـــاب بد از بدتر» گاه طراحان تبلیغات روانی چنین اظهار می‌کنند که هر چند راهکار اتخاذ شده نا مطلوب است؛ اما دیگر گزینه‌های احتمالی به نتایجی به مراتب بدتر ختم می‌شوند و اساسا این تکنیک به طور عمومی برای توجیه و یا عدم توجیه ضرورت فداکاری و از خود گذشتگی و یا به منظور مشروعیت بخشیدن به اقدام خاصی چون خشونت یا انتخاب سیاسی به کار گرفته می‌شود.

مرور حوادث و آشوبهای شکل گرفته در سال ۱۴۰۰ تحت شعار (زن، زندگی، آزادی) و یا روی کار آمدن تروریستهای تکفیری در سوریه در چند وقته اخیر با استفاده از این تکنیک بود که هنوز هم که هنوز اســـت دامنه اســـتفاده از این تکنیک را می‌توانیم در خلال رفتارهای اجتماعی ویا سیاسی ببینیم و مسلم است که با توجه به کار بردی بودن این تکنیک دشمن هیچ وقت دست از سر به‌کار گیری این تکنیک بر نخواهد داشت.

این تکنیک به حدی قابل اســـتفاده برای دســـتیابی به هدف نزد اهالی سیاسی و رسانه‌ای جریان سلطه و به ویژه آمریکا است که چند سال پیش شهردار اسبق نیویورک جهت مشروعیت بخشی به حمله نظامی به ایران در مقاله‌ای در پایگاه اینترنتی «گلوبال پالتیشن»تحت عنوان«جنگ با ایران، نزدیک‌تر از همیشه» می‌نویسد:«استفاده از قدرت نظامی علیه ایران بسیار خطرناک و تحریک‌آمیز خواهد بود(یعنی گزینه بد) اما بدتر از آن این است که ایران به گزینه هسته‌ای تبدیل شود(یعنی گزینه بدتر).

بهره‌گیـــری از این تکنیک با تعمیم به تمام شـــئون فـــردی و اجتماعی افراد یک جامعه همواره مورد توجه اســـت که می‌تواند حتی در نسبت به هم همانند حلقه‌های یک زنجیر متصل به هم را نیز شامل شود. بدین معنی که ایجاد دو گانگی(بد و بدتر) هیچ وقت پایان ندارد و به محض خروج از یک موضوع، انشـــعاب به یک موضوع دیگر پیدا می‌کند و همواره جوامع هدف این رسانه‌ها به ویژه در موقعیتهای جغرافیایی غرب آســـیا همواره به دلیل تنوع قومیتی و مذهبی و گرایشـــهای مختلف در معرض تهدید این نوع تکنیک هستند و از بدیهیات است که رسانه‌های سلطه بخواهند از این تکنیک به حد بی‌نهایتی اســـتفاده کنند؛ اما آنچه که می‌تواند مورد تامل باشد فریب بعضی از مخاطبین این شـــبکه‌ها و کاربران فضای مجازی است که به سادگی تمام روایت‌های این رسانه‌ها و القائات آنها را تا به حد باور و یقین می‌پذیرند.

حصول نتیجه از تکنیک انتخاب بد از بدتر، مستلزم دایره گفتار و قدرت اقناع از سوی طراحان عملیات روانی در شبکه‌های اجتماعی و تلویزیونی است که «ابهام آفرینی» و «ایجاد شـــائبه» را ابزاری برای دستیابی به آن می‌دانند و در صورتهای مختلف از این دو استفاده می‌کنند.

جمله معروفی در بین روانشناســـان اســـت که می‌گوید«گفتـــار کم نظیرترین و متداول‌ترین عملکرد انســـان است؛ با وجود این چون به کارگیری آن بسیار معمولی و طبیعی و آســـان می‌نماید؛ تنها تعداد بسیار معدودی از آدمیان قدرت خارق العاده آن را در می‌یابند.

روش ایجاد ابهام برای دستیابی به نتیجه در رسانه و یا روانشناسی اجتماعی بر گرفته از نظریه روان شناسی گشتالت است که به باور پیروان این نظریه، ذهن آدمی ابهام را بر نمی‌تابد؛ از همین روی هنگام احساس ابهام، در پی رفع آن بر می‌آید و این تنش بر خاسته از ابهام، آدمی را به تکاپو وا می‌دارد(کنشگری) و او را تا رفع آن فعال نگه می‌دارد.

کارشناسان عملیات روانی و جنگ‌های ترکیبی و شناختی برای تاثیرگذاری بیشتر، پیام خود را به صورت اشاره و مجمل به اذهان مخاطبان منتقل می‌کنند و این فرصت را به آنان می‌دهند که خود با اندیشیدن به نتیجه دلخواه و مطلوب برسند که در نهایت این نتیجه انتخابی است بین گزینه بد و بدتر! در واقع انتخابی که در هر صورت گزینه مطلوب طراح عملیات روانی در بستر فضای مجازی و سطح اجتماع است.

به طور مثال تا مدتها یکی از روشـــهای همیشـــگی رادیو فردا برای ایجاد شبهه و ابهام، طرح سؤال و درخواست از شنوندگان برای پاسخ به سؤالاتی بود که در اتاق فکر آنها به منظور جهت‌دهی به فکر مخاطبین طراحی می‌شد و برنامه منظم هفتگی طول زمان نیز برای کنشگری مخاطبین در نظر گرفته می‌شد تا مخاطب با قرار گرفتن در طول زمان مشخص شده بتواند به انتخابهای پیشنهاد شده از سوی شبکه پاسخ بدهد.

محتوای سؤالات طراحی شده در رادیو فردا که امروز به سایر شبکه‌های معاند فارسی زبان نیز گسترش پیدا کرده و در شبکه‌های